

این سوی بهشت



اسکات فیتزجرالد

ترجمه سهیل سمی

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۹۵



فهرست



۷	کتاب اول خودستای رمانتیک
۹	۱ ایمری، پسر نئاتریس
۵۷	۲ سَرماره‌ها و سَرباودان‌های اژدری
۱۲۷	۳ حواں خودستا سَک و سَگین می‌کند
۱۶۵	۴ نارسیس در تعطیلی
۲۱۳	میان‌پرده مه ۱۹۱۷ - فوریه ۱۹۱۹
۲۲۳	کتاب دوم پرورش یک شخصیت
۲۲۵	۱ چهره تاره
۲۶۵	۲ تحارب دوران نقاهت
۲۹۷	۳ طبر حواں
۳۲۵	۴ فداکاری متکبرانه
۳۳۹	۵ حواں خودخواه به یک شخصیت بدل می‌شود



ایمری، پسر بتاتریس



ایمری بلین^۱ از هر جهت به مادرش رفته بود، حر معدودی حاصلت‌های توصیف‌ناپذیر که دست بر قضا، آدم بودش هم در گروی همان‌ها بود پدرش مردی نالایق بود با ربانی الکن، و علاقه‌مند به بیرون،^۲ که از سرِ عادت همیشه موقع خواندنِ دائرةالمعارف ریتائیکا چُرَتش می‌برد، در سی سالگی نا مرگ دو برادر بزرگ‌ترش، دلال‌های موفق نارار سهام‌شیکاگو، ثروتمند شد و تا وَهَم تَرش داشت و احساس کرد دنیا مالِ اوست، به نار هاربر^۳ رفت و بتاتریس اوهارا^۴ را دید به این ترتیب، استیص بلین^۵ قد سیش و کم صد و هشتاد ساتی و ترلرل و دودلی‌اش را در لحظات سربوشت‌سار زندگی برای آیدگانش به ارث گذاشت، و همین دو حاصلت در وجود پسرش، ایمری، نمود یافت سالیانِ سال در پِیس صحهٔ زندگی خانواده‌اش دست و پا رده بود، آدمی سُست‌عصر نا صورتی که بصفش

1 Amory Blaine

۲ Byron، لُرد نارون، (۱۷۸۸-۱۸۲۴)، ساعر انگلسی - م

3 Bar Harbor

4 Beatrice O'Hara

5 Stephen Blaine

در دوره کم تب و تاب‌تر زندگی‌اش، به آمریکا برگشت، نا استیص بلیس آشنا شد و نا او اردواح کرد - عمدتاً نه این دلیل که کمی هسته و کمی معموم بود بطهه تنها فرزندش در فصلی ملالت‌ناسته شد و بچه در روزی بهاری در سال بود و شش^۱ به دیا آمد

ایمیری در پنج سالگی موس نشاط‌حش او شد پسری بود موحرمایی، که چشم‌های درشت و حدانی پیدا کرد، نا دهسی سطحی و خیال‌پرداز و علاقه ریاد به لباس‌های شیک از چهار تا ده سالگی همراه مادرش، نا ماشی شحصی پدربرگ مادری‌اش حوب کشور را گشت، از کورونادو،^۲ که مادرش در آن ار شدت بی حوصلگی در هتلی شیک دچار فروپاشی عصی شد، تا مکریکوسیتی، که نا هم در آن به سلی ملایم و تقرباً همه‌گیر متلا شد از این مشکل حوشش آمد، و بعدها حالتی را که در دوران استلا داشت، به عنوان بحشی فطری از روحیه‌اش حارد - به‌خصوص بعد از چند گیلایس اول

نه این ترتیب، در حالی که پسر بچه‌های خانواده‌های پولدار و کم و بیش حوش‌شاس در ساحل بیوپورت^۳ از حرف حام معلم‌های سرحانه سرپیچی می‌کردند، یا در کوبی می‌حوردند، یا درس می‌خواندند و نه قرائت کتاب‌های آموزشی یا «فرانک بر روی می‌سی‌سی‌پی» گوش می‌دادند، ایمیری در والدورف پادوهای سربراه و مطیع را آزار می‌داد و نا گدر رمان، از موسیقی محلسی و سمفونی‌ها متفر می‌شد، و از مادرش آموزش‌های فوق‌العاده تحصی می‌گرفت

«ایمیری»

پشت موهای ابریشمی و عاری از حیاتش محو شده بود، نا دعدعه همیشهگی «مراقت» از همسرش، در عداب همیشهگی از این‌که او را درک نمی‌کرد و نمی‌توانست درک کند

اما نا تریس بلیس^۱ چه ربی^۱ در عکس‌های قدیمی‌ای که در املاک پدرش در لیک حیوای ویسکاسین^۱ یا در سیکرد هارت کابوت^۲ در روم گرفته بود - حاصه حرحی دوران تحصیلات که در دوران حوانی او فقط محتص دحترهای حابواده‌های فوق‌العاده ثروتمند بود - طرافت بی‌نقص احرای صورت و ریایی تمام‌عیار و سادگی لباس‌هایش معلوم بود دوران تحصیلی درحشایی داشت - حوانی‌اش در هگامه شکوه و حلال دوره بورایی گذشته بود، از آخرین شایعاتی که بین حابواده‌های قدیمی‌تر رومی سربان‌ها بود حبر داشت، حتی کاردیال ویتوری^۳ و ملکه مارگریتا^۴ او را به اسم می‌شاحتند، نه عنوان دحتری آمریکایی نا ثروتی افسانه‌ای بررگان نالسه گمنا تری که حتی شیدن نامشان هم مستلرم داشتن کمی فرهنگ و شعور بود نا او آشنا بودند در انگلیس یادگرفت که ناید ویسکی و سودا را به شراب ترجیح بدهد، و در حلال رمستانی که در ویس‌گدراند، دستمایه‌گپ و گفت‌هایش حور بود در مجموع، نا تریس اوهارا شرایط تحصیلی حاصی داشت که دیگر تکرارشدنی بیست، نوعی آموزش که ویژگی باررش تقسیم همه‌چیر و همه‌کس نه دو گروه نفرت‌انگیر و دوست‌داشتنی بود، فرهنگ عی به لحاظ سنت‌ها و هرها، برهوت هر نوع ایده و نظر، در واپسین روره‌های دوره‌ای که ناعان بررگ گل‌های زُر نامر عوب را می‌چید تا عیجه‌ای عالی و بی‌نقص پرورش دهد

1 Lake Geneva, Wisconsin

2 Sacred Heart Convent, به معای فل ممدس - م

3 Vitori

4 Margherita

۱ منظور فرن نورد هم است - م

۲ Coronado, (۱۵۱۰-۱۵۵۴)، در اصل نام کاسف اسانایی حوب عربی آمریکا - م

3 Newport